

اوشین چگونه به پدیده تبدیل شد؟

یکی از کارکردهای تلویزیون، بازخوانی و تداعی خاطرات گذشته برای مخاطب است که با برانگیختن حس نوستالژیک وی به احساس لذت در او منجر شده و امکان یک نوع خاطره بازی بصری را فراهم می‌کند.



یکی از کارکردهای تلویزیون، بازخوانی و تداعی خاطرات گذشته برای مخاطب است که با برانگیختن حس نوستالژیک وی به احساس لذت در او منجر شده و امکان یک نوع خاطره بازی بصری را فراهم می‌کند.

به عبارت دیگر، خاطره‌سازی و خاطره بازی دو کارکرد ضمنی تلویزیون است که بویژه در ارتباط با مجموعه‌های نمایشی اتفاق می‌افتد. مدتی است سریال #171 سال‌های دور از خانه از شبکه تماشا در حال پخش است.

شاید خیلی از ما نام سریال سال‌های دور از خانه را از یاد برده باشیم، اما هنوز نام و چهره اوشین به‌عنوان قهرمان این سریال ژاپنی در حافظه تاریخی ما به جای مانده است. این ماندگاری به حدی است که اینک پس از دو دهه از نمایش آن و با این‌که موج سریال‌های کره‌ای در جامعه ما نام‌های دیگری همچون یانگوم و جومونگ را بر سر زبان‌ها انداخته، بازهم نوستالژی اوشین به قوت خود باقی است.

حتی پیش از آن هانیکو و اوتارو و لینچان هم نتوانستند به اندازه اوشین به اسطوره‌ای مجازی بدل شوند و جایگاه کاریزماتیک و محبوبیت اسطوره‌ای وی را کسب کنند تا این‌که جواهری در قصر از راه رسید و یانگوم بار دیگر نوستالژی اوشین را تداعی و بار دیگر تب اوشین را در صورت یانگوم بازتولید کرد.

لذا این پرسش جامعه‌شناختی مطرح می‌شود که چرا اوشین به چنین جایگاهی در جامعه ایران تبدیل شد و به‌عنوان یک خرده فرهنگ رسانه‌ای، در ساحت عمومی جامعه ایرانی تاثیر گذاشت. اهمیت این سریال نه فقط در وجوه دراماتیک و سوبه هنری آن، بلکه به دلیل تبدیل شدن به یک پدیده اجتماعی در فرهنگ عامه جامعه ایرانی بود.

مدل موه‌ای اوشینی، لباس ژاپنی و حتی بازار تاناکورا در معرفی فروشگاه‌های دست دوم فروشی از تاثیرات اجتماعی و اقتصادی این سریال در آن سال‌ها بود که این آخری هنوز نیز برای مشاغل اینچنینی اطلاق می‌شود! جلوه‌های عجیبی از تاثیر این سریال را بر مخاطبان ایرانی می‌توان در مطالعه پژوهشی که دکتر محسنیان‌راد، استاد علوم ارتباطات سال ۶۸ انجام داده مشاهده کرد.

براساس یافته‌های این تحقیق، ۶۱.۴ درصد مخاطبان به یاد آوردند هنگام پخش این سریال شاهد عکس‌العمل‌های تقریباً غیرعادی از جمله گریستن، فحاشی و عصبی شدن تماشاگران بوده‌اند.

برخی نمونه‌های این واکنش‌ها جالب است، مثلاً مردی ۲۵ ساله، کارمند از گنبد کاووس گفته بود: یک شب که موقع نمایش اوشین برق شهرمان قطع شد، آنقدر عصبانی شدم که حتی ادیسون را نفرین کردم. نگارنده خود به یاد دارد برخی خانواده‌ها وقتی برق قطع می‌شد با وصل کردن تلویزیون به باتری اتومبیل تماشای اوشین را از دست نمی‌دادند، بویژه این‌که در آن زمان امکان پخش مجدد سریال‌ها وجود نداشت.

اما تاثیرات عمیق اوشین بر افکار عمومی واکنش‌های انتقادی هم در بخش‌هایی از جامعه داشت. مجله #171 آدینه در زمان پخش اول اوشین ضمن تاکید بر گیرایی ظاهری داستان به اثبات این نکته می‌پردازد که در این سریال بدون این‌که علاقه‌ای به افشای سرنوشت استثمارگرانه ارباب و اشراف وجود داشته باشد، بیشتر اوقات از آنها دایه‌ای مهربان‌تر از مادر می‌سازد.

روزنامه اطلاعات نیز با انتقاد از سریال اوشین نوشت این سریال آموزش می‌دهد در برابر سرمایه‌داران و سوداگران سر تعظیم فرود آوریم. اما این انتقادات نمی‌تواند جای این پرسش مهم را بگیرد که چرا اوشین تا این حد در فرهنگ عمومی جامعه ایران در اواخر

دهه ۶۰ تاثیر گذاشت و به یکی از پرمخاطب‌ترین سریال‌ها در تاریخ تلویزیون ایران بدل شد؟ و چرا شخصیت‌ها و اسطوره‌های شرق آسیا تا این اندازه در جامعه ایرانی نفوذ کرده است؟ بویژه این‌که پس از ۲۰ سال و تغییر و تحولات عمده‌ای که در جامعه ایرانی به وجود آمده بازهم شاهدیم که سریال‌هایی مثل «جواهری در قصر» و «۱۷۱؛ جومونگ» همچنان در جامعه ایرانی مورد استقبال قرار می‌گیرند.

اوشین زمانی پخش می‌شد که شبکه‌های تلویزیونی محدود به دو کانال بود و ماهواره و اینترنت نیز گسترش عمومی پیدا نکرده بود. به این مساله باید شرایط فرهنگی و اجتماعی را نیز افزود، اما تکرار محبوبیت اوشین در جامعه امروزی که جهان در سیطره شبکه‌ها و رسانه‌های گوناگون تصویری قرار دارد و سینمای تکنیکی و دیجیتالی غرب بر دنیای تصویری و مجازی سلطه یافته است، کمی عجیب به نظر می‌رسد. این‌که چطور در شرایط و زمانی که تکنیک و جلوه‌های ویژه سینما و تلویزیون قاپ مخاطبان را دزدیده است یک درام تاریخی شرقی، قلب مخاطبان را تسخیر می‌کند و بسط فرامتنی می‌یابد، تامل‌برانگیز است. سنخیت فرهنگی و تجربه‌های زیستی مشابه با روان‌شناسی اجتماعی شرقی در این همنشینی تاثیر دارد.

اوشین و تا حدودی یانگوم با الگوهای مطلوب انسانی و اخلاقی، هماهنگی دارند و گویی مخاطب، سبک زندگی و کنش‌های اخلاقی خود را در صورت آنها می‌بیند و فرافکنی می‌کند؛ زنی صبور، پرتلاش و خانواده دوست که در شرایط سختی با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می‌کند و بدون این که دچار یاس و ناامیدی شود، به فردای بهتر می‌اندیشد. مناسبات انسانی این زندگی با خرده فرهنگ‌های مشابه شرقی و شرایط مشابه قهرمانان با مخاطبان به محبوبیت این سریال کمک می‌کند.

از سوی دیگر، مقایسه پخش سریال اوشین در دو موقعیت تاریخی دهه ۶۰ و دهه ۹۰ واجد نکات جامعه شناختی قابل تاملی در حوزه رسانه است و این‌که اکنون این سریال در شرایط کنونی نه به واسطه تکراری بودن که به دلیل تغییر شرایط فرهنگی - اجتماعی آن جذابیت و دامنه مخاطب اولین پخش را ندارد. به این معنی که اگر امسال برای اولین بار این مجموعه نمایش داده می‌شد به یک سریال خاطره‌برانگیز و فرهنگساز بدل نمی‌شد، چراکه مخاطب‌شناسی امروز با توجه به مولفه‌های جامعه ایرانی فاقد مولفه‌های لازم برای تبدیل شدن این مجموعه نمایشی به یک اثر تاثیرگذار است و این نشان می‌دهد چقدر شرایط تاریخی - زمانی در بازتاب‌ها و دامنه تاثیرات اجتماعی یک سریال تلویزیونی موثر است.

سیدرضا صائمی / جام‌جم